خبر

الزامات احیای سازمان مدیریت-۱۷

راهکاری معماری بنای «توسعه» کشور

محمد ستاری‌فر

● متن زیر نامه‌ای است که دکتر ستاری‌فر در سال ۷۸ خطاب به آقای خاتمی نوشتند.

با رجوع به فصل پنجم برنامه بخش نظام تامین‌اجتماعی و یارانه‌ها مستحضر خواهید شد که ضعیف‌ترین، بی‌پایه‌ترین، بی‌تحلیل‌ترین ادبیات تامین اجتماعی حداقل در سه‌دهه اخیر نظام برنامه‌ریزی، در این بخش از برنامه تجلی پیدا کرده است، آن‌هم در جغرافیایی که حضرتعالی از زمان انتخابات و دوران ریاست‌جمهوری از اهمیت آن، سخن گفتید و دل سوزاندید و مقام‌معظم‌رهبری نیز در راس راهبردهای خود آن را اعلام کردند، اما متاسفانه راهبرد تفکر انحصاری حاکم بر نهاد برنامه‌وبودجه، اسم آن را آورد ولی رسم آن را نیاورد اکنون می‌توان با همت والای آن عزیز و پشتکاری که برای این دغدغه کلیدی تاکنون داشته‌اید، ضعف نوشتاری را جبران کرده و در عمل، نظام جامع تامین‌اجتماعی را با جامعیت، کفایت و فراگیری لازم برپا کرد و به پیش‌شرط و ابزار توسعه و هدف برنامه توسعه در عمل پاسخ گفت و آن را تحقق بخشید. از این رو برای جلوگیری از تکرار تجارب بسیار تلخ برنامه توسعه اول که تدوین و تصویب شد ولیکن به جای آن برنامه تعدیل اجرا شد و برنامه دوم و همچنین برای رفع و اصلاح کاستی‌های متعدد برنامه سوم، چگونگی کیفیت، حضور، انسجام، مشارکت، نظارت و ارزشیابی جنابعالی از نهاد برنامه‌وبودجه حرف اول را در رفع مسایل و مشکلات و بحران حاکم بر نهاد برنامه‌وبودجه خواهد زد، مجموعه دولت و نهاد برنامه‌وبودجه، امری است لازم و بسیار ضروری وگرنه قضاوت‌های پیرامون برنامه سوم در پایان عملکرد آن، اگر بدتر از برنامه‌های اول و دوم نباشد، قطعا بهتر نیز نخواهد بود.

ویژگی‌های علمی و مدیریتی مسوول نهاد برنامه‌وبودجه کشور

پاسخ به این سوال به این مطلب برمی‌گردد که رییس دولت چگونه مسایل را می‌نگرد و از نهاد برنامه‌وبودجه خود چه می‌خواهد؟ همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید صرف‌نظر از نقش تاثیرگذار مسوول نهاد برنامه‌وبودجه، هیات‌رییسه آن نهاد نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، از این رو اگر بخواهد نهاد برنامه‌وبودجه کشور سامان توسعه‌ای و پایداری به خود گیرد، باید هیات‌رییسه آن رییس سازمان برنامه‌وبودجه و معاونان سازمان بتوانند هرم برنامه‌ریزی کشور حداقل به شکل سطوح پنجگانه که تصویر آن در صفحات پیشین آورده شد را سامان دهند. هیات‌رییسه نهاد برنامه‌وبودجه کشور باید این توانایی را داشته باشد که با بسیج صاحبنظران فرهنگی، اجتماعی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌محیطی، نظریه‌پردازان توسعه در قلمروهای مختلف توسعه کشاورزی، توسعه انسانی و رشد پایدار، طرفداران اقتصاد دولت، اقتصاد بازار، اقتصاد تعاملی دولت بازار، طرفداران توسعه صادرات، جایگزینی واردات و... همه و همه را برای تهیه و تنظیم برنامه‌ها و بودجه‌های توسعه در نهاد برنامه‌وبودجه گردهم آورده و با متانت و بردباری و در یک فضای رقابتی و تشریک مساعی جمع‌آوری کند تا بتوانند نسبت به انباشت توشه‌هایی که همیشه موردنیاز نهاد برنامه‌وبودجه است و باید در آن نهادینه شده باشد (و اصلا برنامه‌وبودجه را از روی آن باید شناخت) اقدام کنند. توشه‌ها و انباشت سرمایه‌هایی همچون شناخت آگاهانه و عالمانه از کشور، جهان، نظام سلطه، آینده‌نگری، برخوردفعال باانديشه‌ها، نهادینه‌کردن مشاهدات علمی، شناخت منطق‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قدرت مرتبه‌بندی آنها، عدم برخورد جزمی با مسایل، تعهد و تعلق‌خاطر به برنامه‌ها و اجرای دقیق آنها، پرهیز از مطلق‌گرایی، پرهیز از برخوردهای تک‌بعدی یا تک‌سبب‌بینی، اعتقاد به توسعه همه‌جانبه موزون، هماهنگی در قلمروهای توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه زیست‌محیطی و... عنایت و اعتقاد به اینکه توسعه یک فراخوان است؛ فراخوانی از دولت، مردم، ده، شهر، صنعت، کشاورزی، صادرات، واردات، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و... که باید از همه اینها در جای خود و در منزلت خود نهایت استفاده را کرد و از این طریق بنای توسعه کشور را ساخت و معماری کرد.

پایان

خبر

مجلس ۲ وزیر را درباره ابهامات جدید مسکن مهر فراخواند

● فارس: عضو کمیسیون عمران مجلس با اشاره به اظهارات وزیر راه‌وشهرسازی در مورد مسکن مهر گفت: برای حل این مشکل وزیران راه‌وشهرسازی و امور اقتصادی‌ودارایی در یکی از جلسات هفته آینده کمیسیون عمران حضور خواهند یافت. مهرداد لاهوتی با اشاره به اظهارات وزیر جدید راه‌وشهرسازی در مورد تاثیر مسکن مهر در تورم گفت: اظهارات وزیر غیرکارشناسی است و وی باید همانند وزیر سابق از حوزه فعالیت خود و تولید مسکن دفاع کند. وی ادامه داد: برای بررسی این موضوع و تعیین‌تکلیف نحوه سرمایه‌گذاری در مسکن و تامین سرمایه و همچنین اعطای تسهیلات مسکن، وزیران راه‌وشهرسازی و امور اقتصادی‌ودارایی در یکی از جلسات هفته آینده کمیسیون عمران دعوت خواهند شد.

تحلیل سیاست‌های ارزی فعلی و آتی کشور در گفت‌وگو با عباس شاکری

بازار واقعی نداریم تا نرخ ارز را تعیین کند

راشل آرامیان

عکس: آیدین رهبر، شرق

سخت است بعد از روزها تکرار قیمت ۳۰۰۰ وخورده‌ای دلار حالا باور کنیم که نرخ واقعی دلار حدود ۱۸۰۰ تومان است. این نرخ دوسال است که از یادها رفته و حالا عادت کرده‌ایم دلار را بالاتر از سه‌هزارتومان هم ببینیم و خریدوفروش کنیم. دلار ۱۸۰۰ تومانی بر اساس نظریه برابری قدرت خریدppp محاسبه شده است و زمانی که عباس شاکری برای گفت‌وگوی اختصاصی در مورد ارز وارد دفتر روزنامه شد، آن را رونمایی کرد. اما توصیه او به دولت حمایت از نرخ ۲۵۰۰ تومانی است که همه آن را با نام مبادله‌ای می‌شناسند. شاکری افزایش نرخ ارز را بیش از این به صلاح نمی‌داند زیرا معتقد است، افزایش قیمت ارز بار تورمی شدیدی دارد که دهک‌های پایین جامعه را خرد می‌کند، به‌جز این خود دولت را هم به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده با افزایش شدید قیمت‌ها مواجه می‌کند. با این حال ولی‌اله‌سیف، که دیروز ریاستش بر بانک مرکزی قطعی شد، پنجشنبه گذشته در جمع خبرنگاران نرخ معقول دلار را ۳۲۰۰ تومان دانست؛ یعنی همان نرخی که در بازار آزاد جاری است.

◄ یکی، دو ماهی می‌شود که بانک مرکزی نرخ ارز مرجع و مبادله‌ای را حذف و به‌جای آنها یک نرخ رسمی برای ارز اعلام کرده است. این سیاست با اینکه یک جهش در قیمت ارز دولتی به وجود آورد اما بر بازار آزاد اثری نگذاشت. یعنی نه قیمت ارز بالا رفت و نه ذره‌ای پایین آمد. به‌جز این، بارها اتفاق افتاده که بازار به تصمیمات بزرگ ارزی واکنشی نشان نداده است. دلیل عدم واکنش بازار را در چه می‌دانید؟

اولا ارزهای با نرخ مرجع در بازار ایران مبادله و ردوبدل نمی‌شوند بنابراین بر نرخ جاری چندان موثر نیستند. اگرچه بالا بردن نرخ ارز مرجع باید بر نرخ جاری اثر بگذارد اما چون نرخ‌های جاری نرخ‌های بیش از حد برآورد شده این تاثیر موضوعیت خود را از دست داده است. ثانیا یک نکته اساسی در مورد بازار ارز وجود دارد و آن نکته این است که از روزی که درآمدهای ارزی نفتی وارد اقتصاد شد، بازار به مفهوم جدید و مدرن که در آن عرضه و تقاضا وجود دارد و قیمت، توسط نیروهای عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و آن قیمت، مفهوم است و علامت‌دهی می‌کند، وجود نداشته است. از سال ۵۲ که قیمت نفت افزایش یافت تا به امروز که‌سال ۹۲ است یا مازاد درآمد ارزی داشتیم یا با کمبود منابع ارزی مواجه بودیم. در هیچ دوره‌ای، عرضه و تقاضای ارز با هم برابر نبود. از سال ۵۲ تا ۵۶ با مازاد درآمدهای ارزی مواجه بودیم. پس از آن، با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری اعتصابات نفتی درسال ۵۷ و در دوران جنگ تاسال ۶۷ به‌طور مداوم، با کمبود ارزی مواجه بودیم. در این‌سال‌ها همواره شاهد شکل‌گیری چندین نرخ و حتی سهمیه‌بندی ارز بودیم. از برنامه اول تا سال ۷۸، وضعیت ارزی چندان مناسبی نداشتیم و در این‌سال‌ها، گرچه حجم استقراض از سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی قابل ملاحظه بود ولی از سال ۷۲ تا ۷۷ که بازپرداخت بدهی‌ها آغاز شد، ما مجددا با کمبود ارزی مواجه شدیم. پس از آن، تاسال ۸۹ با مازاد ارزی روبه‌رو بودیم. در نیمه‌های‌سال ۱۳۹۱ و سال‌جاری نیز با کمبود ارز مواجهیم. پرسش این است که این چه بازاری است که یا با کمبود مواجه است یا با مازاد ارزی؟ درواقع، یکی از حقایق اقتصاد ایران، آن است که طی این‌سال‌ها، حتی برای یک دوره کوتاه‌مدت، بازاری به مفهوم واقعی آن نداشته‌ایم. در طول این مدت اگر فرض کنیم که بازار هم وجود داشته و نرخ‌های تجربه‌شده و ایجادشده از دل این بازار بیرون آمده، این نرخ با همه بخش‌ها و با مقتضیات واقعی اقتصاد هماهنگ و سازگار نبوده است؛ یعنی رونق صادرات مستلزم افزایش نرخ ارز است اما رونق ماشین تولید در کل اقتصاد مستلزم کاهش نرخ ارز است و این خود گویای آن است که این نرخ‌های تجربه‌شده برآیند نیروهای بنیادی درونی اقتصاد نبوده است. مثلا ما از سال ۷۸ به‌بعد تورم و مازاد ارزی را باهم داشته‌ایم و در زمان مازاد نرخ ارز را تغییر ندادیم زیرا شرایط تغییر وجود نداشت و کشور با مازاد ارزی روبه‌رو بود اما صادرکنندگان استدلال می‌کردند که نرخ ارز متناسب با تورم افزایش پیدا کند. از طرف دیگر، تولید کالا، وابستگی شدیدی به منابع ارزی خارجی داشت تا بخشی از کالاهای سرمایه‌ای، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را وارد کند. انتظارات تورمی به متغیرهای کلیدی از جمله ارز وابسته است بنابراین در یک اقتصاد طبیعی و غیرنفتی محال است که ۱۲سال با مازاد ارزی روبه‌رو باشید و تورم دورقمی هم داشته باشید. درواقع، این موضوع به مدد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفتی امکان‌پذیر شده است. در کشورهایی که فاقد ذخایر نفت و گاز هستند اگر تورم داشته باشند رقابت‌پذیری در آنها کاهش می‌یابد و با کسری تراز پرداخت مواجه می‌شوند. بنابراین زمانی که بحث بازار می‌شود به مفهوم مصطلح آن اشکالی ندارد اما بازار فنی ارز نداریم و به همین دلیل هم به نظر می‌رسد که بازار به حذف ارز مرجع واکنش نشان نداد. اما به‌طور کلی باید توجه داشت که پیامد بی‌ثباتی‌های ارزی، اولا گسترش بخش نامولد است که مدت‌هاست در اقتصاد شکل گرفته و منتفع شده است و ثانیا تغییر در توزیع درآمد در جامعه است که به‌نفع عوامل نامولد و به زیان عوامل مولد و دولت رخ می‌دهد.

◄ نرخ ارز الان به ۳۲۰۰ تومان رسیده. شما فکر می‌کنید که اگر بر اساس منطق اقتصادی رفتار می‌کردیم، قیمت ارز در شرایط فعلی چقدر بود؟

اگر معاملات سوداگرانه ارزی نبود نهایتا نرخ ارز طبق نظریه نسبی برابری قدرت خرید باید به میزان مابه‌التفاوت تورم داخلی و خارجی افزایش پیدا می‌کرد. محاسبات ما بر اساس این نظریه نشان می‌دهد قیمت دلار ۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰ تومان است. نحوه محاسبه هم به این صورت بوده که نرخ ارز آزاد ۱۴۰ ریالی سال ۵۷ به‌عنوان نرخ ارز مبنا در نظر گرفته شده و با لحاظ تورم ایران و آمریکا، در نهایت این رقم به دست آمده است. اگر بخواهیم طبق نظریه مطلق برابری قدرت خرید که بانک جهانی بر اساس آن درآمد سرانه ایران را محاسبه می‌کند دلار حدود ۶۰۰ تومان است که در شرایط جاری برای اقتصاد مناسب نیست اما پرش نرخ ارز از حدود هزارتومان به چهارهزارتومان در این دوره اخیر عمدتا معلول هجوم سوداگرانه وسیع بانک‌های خصوصی، صندوق‌های اعتباری و اشخاص حقیقی به بازار ارز بود.

◄ نرخی که اشاره کردید نرخ ارز در شرایط کنونی است؟

بله. این نرخ ارزی است که برای شرایط فعلی و بر اساس نظریه قدرت برابری استخراج شده است. درواقع، اگر ارزهای موجود در پرتفوهای شرکت‌ها، بانک‌ها و افراد به نحوی خارج شده و از شدت تحریم‌ها هم کاسته شود، نرخ ارز حدود ۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰ تومان خواهد بود. درواقع نرخ فعلی بازار، در نتیجه برخی تنگناها، محدودیت و بی‌ثباتی، شکل گرفته که به عقیده من، در صورت رها کردن آن و با تشدید تحریم‌های اقتصادی، ممکن است نرخ بازار آزاد به هر مقداری افزایش پیدا کند. البته طی هفته‌های اخیر در محدوده ۳۱۰۰ تا ۳۲۰۰ تومان تقریبا ثابت باقی مانده است.

◄ بحث تک‌نرخی شدن ارز با آمدن دولت روحانی داغ شده، شما به‌عنوان یک کارشناس، تک‌نرخی کردن ارز در شرایط فعلی را به صلاح می‌دانید؟

تک‌نرخی یعنی چه؟ این نرخ بر چه مبنایی تعیین می‌شود؟ تعیین نرخ ارز بر مبنای بازار اساسا معنا ندارد زیرا ما بازار نداریم. یعنی بازار ارزی وجود ندارد که نرخی را با علامت‌دهی صحیح ارایه کند. فرض کنید هم‌اکنون نرخ ارز چهارهزارتومان اعلام شود اما با کاهش تحریم‌ها یا افزایش قیمت نفت که درآمدهای ارز افزایش می‌یابد با مازاد روبه‌رو می‌شویم و امکان فروش تمامی ارزها وجود نداشته و باید قیمت آن کاهش یابد. اگر نرخ ارز را کاهش دهیم چون با تورم مواجه هستیم صادرات صدمه می‌بینند. اما اگر نرخی که برای ارز اعلام می‌کنیم از عرضه و تقاضای ارز و عرضه ارز از محل صادرات کالاهای متنوع و نسبتا جا افتاده و با تکنولوژی بالا حاصل می‌شد، دیگر چنین چیزی امکان‌پذیر نبود و این نرخ، نرخ پایداری بود و با اقتصاد حرکت می‌کرد. به عبارت دیگر، در اقتصاد ایران، نفت همانند یک عضو پیوندی است که اگر مقدار زیادی از آن را بفروشیم قیمت ارز کاهش می‌یابد و در مقابل، اگر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کاهش یابد، معاملات سوداگرانه به آن اضافه می‌شود و قیمت ارز کاملا بی‌ثبات می‌شود. بنابراین وقتی که از تک‌نرخی شدن ارز بحث می‌کنیم، باید به این موضوع بپردازیم که چه نرخی را می‌خواهیم انتخاب و اعلام کنیم.

◄ بالاخره مکانیسمی برای تعیین نرخ ارز باید وجود داشته باشد.

کشورهایی که بازار ارز دارند، از ناحیه صادرات کالاهای با فناوری بالا، نرخ ارز را تعیین می‌کنند. در اقتصادی که درآمدهای ارزی صادرات از محل فروش منابع طبیعی زیرزمینی به دست می‌آید، به هیچ عنوان نمی‌توان گفت که نرخ ارز را بازار تعیین می‌کند. ما به چند دلیلی بازار ارز نداریم. اولا بیش از ۸۰درصد عرضه ارز طی سال‌های اخیر از ناحیه فروش نفت بوده و دولت، عرضه‌کننده اصلی آن است. ثانیا؛ ما هیچ‌وقت تعادل ارزی نداشته‌ایم. در ۴۰سال گذشته یا با کمبود مواجه بوده‌ایم یا مازاد. سوم ما نرخ‌های متعدد ارزی داشتیم و اینگونه نبوده که بازار عمیق رقابتی داشته باشیم که نرخ ارز در یک دامنه محدود حرکت کند. همین نرخ‌ها، حکایت از نبود چنین بازاری است.

◄ بعد از انقلاب این دومین‌باری است که می‌خواهیم ارز را تک‌نرخی کنیم. اولین‌بار زمان مرحوم نوربخش این اتفاق افتاد، آن زمان بر اساس چه مکانیسمی ارز، تک‌نرخی شد؟

آن‌موقع هم به همین شکل بود. زمان مرحوم دکتر نوربخش، یعنی پیش از سال ۷۸، کشور با کمبود ارزی مواجه بود و تقریبا ارز را کنترل می‌کردند. بعد از اینکه درآمد ارزی کشور افزایش پیدا کرد تا قبل از تک‌نرخی‌شدن ارز، نرخ رسمی ۱۷۵ تومان بود ولی در بازار آزاد ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان و گاهی تا ۸۰۰ تومان هم فروخته می‌شد. در آن زمان، دولت پنج‌میلیارددلار ارز با نرخ ۱۷۵ تومان به کالاهای اساسی اختصاص می‌داد و بقیه آن در بازار آزاد با هدف تامین کسری بودجه دولت وقت فروخته می‌شد که کاری غیررسمی بود. این روند تا زمان تک‌نرخی‌شدن ارز ادامه داشت. وقتی ارز تک‌نرخی شد، نرخ آن ۸۰۰ تومان بود و رشدسالانه بسیار اندکی داشت که نهایتا در سال ۸۹، به ۱۱۰۰ تومان رسید.

◄ آن زمان که نرخ ۸۰۰ تومان برای ارز تعیین شد، بر اساس چه مکانیسمی انتخاب شد. گفتند چون در بازار آزاد قیمت ارز ۸۰۰ تومان است، قیمت ارز دولتی هم تا ۸۰۰ تومان بالا آورده می‌شود تا بازار دولتی و آزاد تک‌نرخی شوند؟

در آن برهه، نرخ ارز بازار آزاد تقریبا ۸۰۰ تومان بود که به‌عنوان تک‌نرخی پذیرفته شد، در حالی که در آن دوره، کشور با مازاد ارزی فراوان روبه‌رو بود. از سال ۷۹ به‌بعد، ذخایر ارزی بانک‌مرکزی به جای بدهی دولت، به‌عنوان عامل مسلط پایه پولی در ترازنامه بانک‌مرکزی شناخته شد. پس از آن، حساب ذخیره ارزی در راستای اهداف برنامه سوم تشکیل شد و همین امر سبب شد تا تمامی ارزها در اختیار بانک‌مرکزی قرار نگیرد. ارزهایی هم که به بانک مرکزی داده می‌شد قابل‌فروش توسط این نهاد نبود. اما در شرایط فعلی که با تحریم و کمبود ارز مواجهیم، تک‌نرخی کردن امکان‌پذیر نیست.

◄ نرخ ۸۰۰ تومانی ارز چقدر به واقعیت‌های اقتصادی نزدیک بود؟

نرخی که آن‌موقع اعلام شد بر اساس هیچ‌یک از نظریه‌های اقتصادی مانند پولی و برابری قدرت خرید تعیین نشده بود اما بازار آزاد آن نرخ را علامت داد. البته بازار در آن‌موقع، شرایط ثبات را سپری می‌کرد. یعنی به‌دلیل مازاد ارزی زمینه پرش نرخ ارز و رفتارهای سوداگرانه وجود نداشت.

◄ حالا شما نرخی بین سه‌هزار تا سه‌هزارو۵۰۰ تومان را که بازار علامت‌دهی می‌کند، برای ارز تک‌نرخی قبول دارید؟

اساسا اعتقاد من این است که نرخ‌های بالای ارز اگرچه به‌طور موقت و محدود صادرات را ارتقا می‌دهد و واردات را اندکی محدود می‌کند اما برای تولید و رفاه عمومی جامعه مناسب نیست ولی اینکه بر اساس چه نرخی ارز تک‌نرخی شود باید گفت اولا تک‌نرخی شدن با همان استدلالی که ذکر کردیم امکان‌پذیر نیست، هر نرخی شکل بگیرد ماهیت مدیریت‌شده دارد و می‌تواند هر مقداری باشد. البته تعیین نرخ ارز به پارامتر دیگری هم مربوط است؛ یعنی ابتدا باید مشخص شود که ذخایر ارزی داریم یا خیر؟

◄ شما فرض کنید که ذخایر ارزی مناسبی داریم. با این فرض بفرمایید که نرخ ارز چقدر باید باشد؟

در این حالت بهتر است دولت از همان نرخ مبادله‌ای یا دولتی حمایت کند. یعنی دولت نرخ فعلی را مبنا قرار دهد. اگر از این نرخ حمایت کنیم و انتظارات مردم را براساس همین نرخ تنظیم کنیم، افراد ارز خود را عرضه می‌کنند و همین بازار ناقص به ثبات می‌رسد و کم‌کم نرخ آزاد که هم‌اکنون بیش از سه‌هزارتومان است به ۲۵۰۰ تومان متمایل می‌شود. اگر این نرخ در اقتصاد حاکم شود قیمت‌ها، هزینه‌های تولید به گونه‌ای تغییر می‌کنند که بتوانیم به برون رفت از بیکاری و رکود گسترده، امید داشته باشیم.

◄ و اگر ارز کافی نداشته باشیم، چه؟ در این حالت چه نرخی را پیشنهاد می‌کنید؟

ما بازار ارز نداریم تا نرخ ارز در آن تعیین شود. بنابراین راهی جز مدیریت ارز نداریم. اگر مازاد ارزی داریم مدیریت نرخ ارز آسان است مثل‌سال‌های ۷۸ تا ۸۹. اگر با کسری ارز مواجه باشیم کار دشوار است. در این شرایط هر فردی که درآمد مازاد داشته باشد ارز می‌خرد، دقیقا همان روندی است که ازسال ۱۳۸۹ تاکنون مشاهده می‌شود. در اینجا باید با تنظیماتی، ریسک نگهداری ارز را برای اهداف غیرمعاملاتی بالا ببریم. اگر بتوانیم بازار ارز را در شرایط کمبود درآمد ارزی کنترل کنیم، افراد کمتر آسیب می‌بینند. از این رو باید اولویت‌های ارزی خود را تعیین کنیم. به نظر من با درآمد ۴۰ تا ۵۰ میلیارددلاری (اعم از نفتی و غیرنفتی) می‌توانیم کل نیاز ارزی کشور اعم از ارز دانشجویی، مسافرتی، نهاده‌های تولید و کالاهای اساسی و... را تامین کنیم و این امر، تنها با اولویت‌بندی نیازهای ارزی امکانپذیر است. در زمان کمبود ارز نمی‌توان نرخی ارایه داد زیرا در این حالت بازار از کنترل خارج می‌شود و به هر اندازه که ارز کمتری به بازار تزریق شود به همان میزان هم قیمت ارز، پرش خواهد داشت.

◄ به‌جز میزان ذخایر ارزی عامل دیگری هم مطرح است و آن کسری بودجه دولت است. دولت احمدی‌نژاد هم برخی تعهدات مثل افزایش ۳۸درصدی قیمت حامل‌های انرژی را اجرا نکرد و همین موضوع کسری بودجه دولت جدید را بیشتر کرد. با این تفاسیر معتقدید که دولت برای تامین هزینه‌های خود وارد بازار ارز نشود؟

اگر نرخ ارز بر انتظارات تورمی، رفاه، تولید و نیازهای اولیه مردم اثری نداشت فروش آن در بازار آزاد به هر منظور حتی تامین کسری بودجه اشکالی نداشت. کسری بودجه عمدتا در کشورهای تولیدکننده نفت و گاز مشاهده می‌شود که البته در بعضی از این کشورها هم نگرانی از بیماری هلندی سبب شده است تا وابستگی بودجه خود را به نفت کاهش دهند. به نظر من به هیچ‌وجه دولت نباید برای تنظیم بودجه از نرخ ارز استفاده کند دلیل این پرهیز هم این است که بودجه ما حالت عکس‌العمل و حساسیت معکوس به خودش گرفته است. زمانی، می‌گفتند قیمت بنزین را افزایش دهید تا کسری بودجه جبران شود. بعد با همین هدف، هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد که طی آن قرار بود منبع درآمدی دولت افزایش یابد اما نه‌تنها این اتفاق نیفتاد بلکه کسری بودجه دولت را بیشتر کرد به طوری که گفته می‌شود دولت ده‌هاهزارمیلیاردتومان به بانک مرکزی، پیمانکاران و دارندگان اوراق قرضه بدهکار است. ارز هم بخش قابل‌ملاحظه‌ای از منابع درآمدی دولت است. درست است که با فروش گران‌تر ارز، کسری بودجه دولت تامین می‌شود اما تورمی که به دنبال آن گریبان مردم را می‌گیرد بسیار آسیب‌زننده و خطرناک است. این تورم به دولت هم رحم نمی‌کند و این نهاد را به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده، بیش از همه متضرر می‌کند. اساسا شوک‌درمانی‌ها، بخش نامولد و سوداگر را فربه و بهره‌مند می‌سازد اما همین موضوع به قیمت بدترشدن وضع بخش‌های مولد و دولت می‌انجامد. بنابراین نمی‌توان با یک تحلیل مکانیکی ساده دلخوش به این بود که می‌توان با افزایش نرخ ارز، کسری بودجه دولت را مرتفع کرد. این اشتباهی است که دوستان ما چندین‌سال است تکرار می‌کنند.

◄ شما دولت را از فروش گران‌تر دلار با هدف تامین کسری بودجه منع می‌کنید، آیا راهکار جایگزین برای ارایه به دولت دارید؟

دولت برای تامین کسری بودجه باید بسته جامعی از راهکارها را داشته باشد.

◄ اما دولت آتی هر کاری که انجام دهد در شش‌ماه باقیمانده ازسال نمی‌تواند کسری بودجه خود را جبران کند.

این امر تاحدودی امکان‌پذیر است. دولت آتی برای دستیابی به این هدف، باید یکسری محدودیت‌ها ایجاد کند و یکسری اقدامات انجام دهد. دولت باید مقام پولی کشور را متوجه موقعیت خطیر خود کند. نظام بانکی ما باید در خدمت تولید باشد اکنون اگر پرتفوی دوسال گذشته بانک‌های خصوصی، صندوق‌های اعتباری و حتی بعضی بانک‌های دولتی را بررسی کنید می‌بینید، جریان پولی اقتصاد در خدمت بخش نامولد و فعالیت‌های سوداگرانه بوده است تا در خدمت تولید و فعالیت‌های مولد. بنابراین باید دولت نظام بانکی را به‌طور کلی از ورود به فعالیت‌های نامولد منع کند. وام‌های معوقی را که مقدار آنها بسیار زیاد است و به فعالیت‌های نامولد مربوط هستند استرداد کند و معادل این استرداد برای تامین کسری بودجه خود، قرض بگیرد، به هیچ‌وجه نمی‌گویم پول چاپ کند، قرض‌هایی که عوامل سوداگر و نامولد از نظام بانکی گرفته‌اند و پس نداده‌اند را پس بگیرد و خود از آن استفاده کند. اینگونه نباشد که اقتصاد به‌طور مستمر سیل پولی و نقدینگی را تجربه کند اما بخش مولد دسترسی به تسهیلات نداشته باشد. دولت می‌تواند خصوصی‌سازی را هم در دستور کار قرار دهد. بعضا مشاهده می‌شود شرکت‌های واگذار شده با آنکه سودآور هستند هنوز بدهی خود از محل واگذاری را به دولت پرداخت نکرده‌اند، دولت می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مطالبات معوق خود را وصول کند. حتی می‌توان کارخانه‌ها و بنگاه‌هایی که شامل اصل ۴۴ قانون اساسی می‌شوند را با سرعت بیشتری واگذار کرد تا بخشی از منابع مورد نیاز دولت تامین شود. از طرف دیگر دولت باید موسسه‌ها، نهادها و واحدهای تولیدی و نهادهایی که مالیات نمی‌پردازند را ملزم به پرداخت مالیات کند. طی‌سال‌های گذشته دولت از بنگاه‌ها و واحدهایی که حسابشان نزد دولت باز بود، مالیات بیشتر دریافت می‌کرد که آن‌هم خیلی خطرناک است و امکان دارد برخی از این واحدها از صحنه خارج شوند. فرار مالیاتی هم زیاد است و دولت باید بر این بخش تمرکز ویژه داشته باشد. باید در ساختار هزینه‌ها تا آنجا که امکان‌پذیر است تجدید ساختار صورت گیرد. هزینه‌های مبهم و زاید کاهش یافته یا حذف شود، ردیف‌های متفرقه بودجه به‌صورت شفاف تعیین تکلیف شود. پاداش‌های ده‌ها میلیون‌تومانی و بعضا نزدیک به میلیاردتومان مربوط به هیات مدیره شرکت‌های دولتی و موسسات و نهادهای وابسته به حاکمیت را به نفع بودجه دولت به یک طریقی کاهش دهد. یارانه‌ها را هم که بدون بستر و مقدمات لازم حذف کردیم و به اهداف مورد نظر هم دست نیافتیم تنها تعهد پرداخت یارانه نقدی را بر دوش دولت قرار دادیم و با این روش‌ها کسر بودجه‌مان را بسیار افزایش دادیم اما در هر صورت دولت باید دهک‌های پردرآمد را شناسایی و از فهرست یارانه حذف کند. موارد مذکور، همه راهکارهای کوتاه‌مدتی هستند که می‌توانند دولت را از ورود به بازار ارز بی‌نیاز کنند.

ادامه در صفحه ۵

اگر ارزهای موجود در پرتفوهای شرکت‌ها، بانک‌ها و افراد به نحوی خارج شده و از شدت تحریم‌ها هم کاسته شود، نرخ ارز حدود ۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰ تومان خواهد بود. درواقع نرخ فعلی بازار، در نتیجه برخی تنگناها، محدودیت و بی‌ثباتی، شکل گرفته که به عقیده من، در صورت رها کردن آن و با تشدید تحریم‌های اقتصادی، ممکن است نرخ بازار آزاد به هر مقداری افزایش پیدا کند.

خبر

انحلال کمیته ویژه ۵نفره ارزی دولت دهم

● مهر: با تصمیم دولت تدبیر و امید و در راستای انحلال کارگروه‌های ویژه اقتصادی دولت محمود احمدی‌نژاد، کمیته ویژه پنج‌نفره ارزی دولت دهم منحل می‌شود.

هیات وزیران دولت تدبیر و امید به ریاست حسن روحانی در جلسه یکشنبه هفته جاری خود با بررسی کارگروه‌های ویژه ایجادشده در دولت‌های قبلی و اختیارات تفویض‌شده از سوی هیات دولت به آنها، برای اتخاذ برخی تصمیمات نسبت به لغو آنها اقدام کرد.

بر اساس این تصمیم هیات وزیران، در نظر دارد با سرعت عمل و فعالیت بیشتر، راسا نسبت به اتخاذ همه تصمیمات به‌طور متمرکز و سنجیده و هماهنگ اقدام تا از این طریق از اتخاذ تصمیمات بخشی و ناهماهنگ اجتناب کند.

در این راستا، یکی از کارگروه‌های ویژه اقتصادی دولت دهم، کمیته ویژه پنج‌نفره ارزی بود که در زمستان سال ۹۰ و پس از آشفتگی بازار ارز تشکیل شد. بر همین اساس، کمیته ویژه ارزی نه به ریاست رییس کل بانک مرکزی، بلکه به ریاست وزیر اقتصاد دولت دهم و عضویت وزرای اطلاعات، صنعت، کشور و رییس کل بانک مرکزی تشکیل شد تا این بازار را سروسامان دهد.

کمیته ارزی پنج‌نفره که در ابتدا قرار بود موقتی و تنها برای خروج بازار ارز از آشفتگی باشد، در ادامه همچنان فعال باقی ماند؛ کمیته‌ای که موازی‌کاری محض با بانک مرکزی داشت و استقلال این بانک را تحت تاثیر قرار داد و تصمیمات و دستورات کمیته پنج‌نفره، بعدها برای بانک مرکزی دردسرساز شد.

دو تصمیم جنجال‌ساز کمیته پنج‌نفره ارزی از سال ۹۰ تاکنون «برداشت از حساب بانک‌ها بابت مابه‌التفاوت ارز دریافتی» و «اخذ مابه‌التفاوت نرخ ارز از دریافت‌کنندگان تسهیلات حساب ذخیره ارزی» بود که حالا با انحلال این کمیته، باید منتظر ماند و دید سرانجام این دو مصوبه در دولت یازدهم چه خواهد شد.

بازار . سه‌شنبه ۵ شهریور

طلاو سکه	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
طرح جدید	۱۰۶۵۰۰۰	+۲۷۰۰۰
طرح قدیم	۱۰۵۰۰۰۰	+۱۷۰۰۰
نیم	۵۳۵۰۰۰	+۸۰۰۰
ربع	۳۳۶۰۰۰	+۶۰۰۰
گرمی	۲۲۰۰۰۰	+۳۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۰۷۶۰۰	+۲۰۰۰
اونس (دلار)	۱۴۰۲/۸	+۱۰

ارز	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
دلار	۳۱۵۰	+۲۰
یورو	۴۱۸۰	–
پوند	۴۸۴۰	–
درهم	۸۶۰	–
لیر ترکیه	۱۶۵۰	+۴۰
یوآن	۵۴۰	+۱۰

عنوان شاخص	مقدار	تغییر (درصد)
کل	۶۰۰۰۲.۴	−۱۱/۱
۳۰شرکت بزرگ	۲۹۹۱.۵	−۱/۲۶
آزاد شناور	۷۰۲۷۹.۳	−۱/۱۱
بازار اول	۴۶۵۰۷.۳	−۱/۶۸
بازار دوم	۱۰۵۰۸۷.۵	۰/۲۶
صنعت	۵۰۶۰۲.۵	−۰/۸۷

بریده اخبار

◄ ایسنا: مدیرعامل شرکت فناوری توسعه ناجی گفت: در حال حاضر ۴۸درصد از پرونده‌های پلیس فتا در حوزه بانکداری به سرقت‌ها و کلاهبرداری‌های اینترنتی مرتبط است که نیازمند بررسی تخصصی است.

**◄ فارس: مقامات پاکستانی از لغو قرارداد صادرات ۳۰هزار تن گندم پاکستان به ایران در عوض برق وارداتی از این ک